

متن پرسش

سلام خدمت استاد گرانقدر و آرزوی توفیق و تندرستی: در باب سوال ارزشمند ۲۵۵۰۲ و سوالات مشابه، یک نکته بسیار مهم وجود دارد که حضرتعالی به کرات روی آن تاکید فرموده اید. امام امت، خود باید مروج ارزشها و ناهی ضد ارزشها باشد و روحیه تعهد و پاسخگویی را داشته باشد حتی امیرالمومنین، خطاب به کوفیان می فرمایند که اگر دیدید بصورت عجیبی در دارایی ها و خط مشی زندگی من تغییر یافته، به حکم مقابله با افساد برخیزید. الحمدلله علیرغم تمام خباثتهای خارجی و داخلی در ۴۰ سال گذشته، نظام اسلامی با تمام ایرادات توانسته افقی نوین از عالم انسان توحیدی را بگشاید که به مبدا وجود نظر دارد و به تعبیری به نیستان وجود متصل است و در این راستا حکومت تشکیل دهد که هنوز بسیار با حکومت طراز فاصله دارد، اما نفس این اتفاق در دوران تمام انبیاء و ائمه و زعمای شیعه بی سابقه است. مردم نجیب ما، مشکلات متعدد فرهنگی و اقتصادی و سیاسی را در جامعه می بیند و گاهی دلشان به آینده سست می شود. اما باید گفت اگر افق تمدنی خود را در نظر بگیریم و اصول انقلاب و واقعیات روز را نصب العین کنیم، نه تنها نگران، بلکه پرشور و دقیق در ریشه شناسی مشکلات و رفع آنان می شویم. هر جا افق تمدنی داشته ایم و با غرب تمدنی رفتار کردیم، پیشرفت کردیم و به اقتدار رسیدیم و هر جا سکولار گونه و غربزده و منفعل، تماماً قواعد نظری و عملی غربی اجرا شد و عنوان جهانی شدن روی آن نهاده شد یا حتی گفتند مردم نماز و روزه را رعایت کنند و شراب نخورند و همه هم حرفهای رهبری را تایید کنند، آنگاه تمدن اسلامی پدید می آید بدون اینکه بخواهیم زیر نظام های تمدن مثل اقتصاد، فرهنگ، سلامت و... را سازماندهی کنیم. انقلاب اسلامی می رود تا فلک زدگی و تلاطم بشر مدرن و معتقد به نیهیلیسم را بشکند و او را صاحب فکر و ذکر کند و از کثرات او را به وحدت وجود متوجه سازد. تفاوت اساسی در همین جاست و به عنوان نمونه شخصی عرض می کنم اگر شخصی مثل من ارادات خاصی به رهبر معظم انقلاب دارم، سعی کردم با بررسی سیره و اندیشه ایشان باشد و نظر سایر افراد حتی معاندین درباره این رهبر. جایگاه ولایت فقیه برخلاف راهبرد اغوا گرانه و منفعت جویانه شخصی، ساز و کارش در راستای هدایت جامعه به توحید و آزادی از قیودی است که بشر را از مقام والایش دور می دارد. در نظر بگیرید با این اصل اساسی نظام سازی توحیدی مبتنی بر قرآن و نهج البلاغه چند رهبر این چنینی در سطح عالم داریم با این درجه از درایت و سماحت که حتی معاندین هم نسبت به آن معترف اند. بله ما در گام دوم انقلاب و تکمیل انقلاب و اصلاح خطاهای گذشته بر اساس نص صریح بیانیه هستیم که نظام را نه منفعل و متحجر و نه نفوذ پذیر بلکه منعطف و آماده اصلاح می داند. می شود با گفتمان سازی عمومی بجای اینکه اذهان سمت

ورزشگاه رفتن بانوان برود سمت این برود که چرا اقتصاد مقاومتی اجرا نشده و این سیستم بانکی، بلای جان مردم است، باید بجای ظاهر بینی و مشغولی به آزادی هایی که در چارچوب غربگرایی تعریف می شود و تخریب غیر تخصصی، مردم از حوزه های علمیه مطالبه ناصحانه و دلسوزانه کنند که چقدر دغدغه نسبت به تربیت دینی مردم و پاسخگویی به شبهات و فقه روزآمد داشته است و به خون سرمایه داران زالوصفت طبق فرمایش امام تشنه بوده و رو به روی اصحاب قدرت قد علم کرده است. نباید مسئولین و مشاورین و منصوبین حضرت آقا تحت لوای انتصاب به رهبر، خود را غیر قابل نقد و مقدس بدانند و حاضر نباشند پاسخ دهند برای پیشبرد اهداف نهضت چه کرده اند. می توان نسبت به برخی چارچوبها معترض بود و منصفانه و انقلابی نقد نمود. مثلا عرض کنم، چرا باید گزارش عملکرد رهبری طبق قوانین نظام را کمیسیون مجلس خبرگان دریافت کند اما مردم مطلع نشوند و یا بهترست مصاحبه هایی مطابق قانون با رهبر انقلاب برپا شود که حق پاسخگویی در برویی عموم را در بر داشته باشد که در این مورد البته استنادی نامناسب به بیان آیت الله مصباح شده بود و فرموده بودند که بیان ایشان در باب حذف جمهوری است که چنین چیزی به هیچ وجه با منطق امام و آقا منطبق نبوده است. چرا رئیس جمهوری به سادگی وعده می دهد من فقر را ریشه کن می کنم و یا سازمانی مثل مجاهدین خلق با آن کارنامه را تطهیر می کند اما ساز و کاری برای ثبت وعده ها و پاسخگویی نسبت به آن یا اخطار به وی نیست. اما دشمنان و منافقین داخلی خوب می دانند اینگونه مطالبه گری، خاصیت جامعه متعهد مومن است که به اصل انقلاب و تمدن اسلامی و ولایت فقیه و حکم حکومتی رهبری که فصل الخطاب در شرایط بحران است (مثل پلیسی که مثلا وقتی چراغ قرمز دچار اختلال می شود، سر چهار راه می ایستد و به مردم می گوید به علامات من بجای چراغ قرمز توجه کنید تا نظم برقرار باشد که البته این عمل عین قانون و نظم است) اعتقاد دارند اما چنین جامعه پویا و نقاد و استکبارستیزی مطلوبشان نیست، بلکه الیگارشسی و به تعبیر شهید مطهری جستجوی آزادی در خود دانی بشر، مطلوب آنهاست که افراد جامعه نه حساسیتی به استکبار و نه دین دارند بلکه آزادانه و غیرمتعهدانه و به دنبال انسانیت رها شده می روند. گام دوم، گام توجیه و تضعیف انقلاب نیست؛ که توجیه مصداق حماقت و تضعیف مصداق خطا و جنایت در حق انقلابی چنین اصیل است، بلکه رسالت ما، تکمیل انقلاب یعنی حرکت بسمت کمال انقلاب و رشد این ثمره خون دل امام و شهدا و ایثارگران بعنوان انسان های طراز در دو قرن اخیر است آن هم در عصری که بحث روی جدایی دین از سیاست و به محاق راندن اسلام ناب بود. عذر می خواهم که وقت شریفتان را گرفتم و زیاده گویی کردم. ان شاء الله خوب، درس پس داده باشیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتش این موارد چیزی نیست که بتوان در یک سؤال و جواب سایت به آن ورود پیدا کرد. عرایضی در سخنرانی هایی که شده است، داشته ام. موفق باشید

